

نکات دستوری (دستور زبان درس دهم) آرشى ديگر:

(بیت هایی که نوشته نشده یا راحت و قابل درک بودند یا تکراری)

جنگ، جنگی نابرابر بود

نهاد: جنگ / جنگی نابرابر: مسند، بود: فعل اسنادی

جنگ، جنگی فوق باور بود

نهاد: جنگ، جنگی فوق باور: مسند / بود: فعل اسنادی

کیسه های خالی و خونی / خطّ مرزی را جدا می کرد

نهاد: مصرع اول، مفعول: خط مرزی، را: نشانه ی مفعول، می کرد: فعل

دشمن بد عهد بی انصاف / با هجوم بی امان خود / مرزها را جابجا می کرد

نهاد: مصرع اول، با: حرف اضافه، هجوم بی امان خود: متمم، مرزها: مفعول، را: نشانه ی مفعول، جابجا می کرد: گروه فعلی

از میان آتش و باروت / می وزید از هر طرف، هر جا / تیرهای وحشی و سرکش / موشک و خمپاره و ترکش /

نهاد: تیرهای وحشی و سرکش و موشک و خمپاره و ترکش، از: حرف اضافه، متمم: میان آتش و باروت، از: حرف اضافه، متمم: هر

طرف، هر جا، فعل: می وزید

آن طرف، نصف جهان با تانک های آتشین در راه

آن طرف: قید، نهاد: نصف جهان، حرف اضافه: با، متمم: تانک های آتشین، در: حرف اضافه، راه: متمم، فعل محذوف: بودند

این طرف، ایرانیان تنها

این طرف: قید، نهاد: ایرانیان، تنها: مسند، فعل محذوف اسنادی: بودند

این طرف تنها سلاح جنگ، ایمان بود

این طرف: قید، نهاد: ایمان، تنها سلاح جنگ: مسند، بود: فعل اسنادی

خانه های خاک و خون خورده / مهد شیران و دلیران بود

نهاد: خانه های خاک و خون خورده / مهد شیران و دلیران / بود: فعل اسنادی

شهر خونین، شهر خرمشهر / در غروب آفتاب خویش / چشم در چشم افق می دوخت

نهاد: شهر خونین، شهر خرمشهر / در: حرف اضافه / متمم: غروب آفتاب خویش / مفعول: چشم در چشم افق / می دوخت: فعل

در دهان تانک‌ها می‌سوخند

نهاد محذوف: شهر خرمشهر / در: حرف اضافه / دهان تانک‌ها: متمم / فعل: می‌سوخند

در چنان حالی هراس انگیز / شهر، از آن سوی سنگرها / شیر مردان را صدا می‌زد:

نهاد: شهر / در: حرف اضافه / چنان حال: متمم / هراس انگیز: قید / از: حرف اضافه / متمم: آن سوی سنگرها / مفعول: شیر مردان / را:

نشانه ی مفعول / صدا می‌زد: گروه فعلی

آی، ای مردان نام آور / ای همیشه نامتان پیروز / بی‌گمان امروز / فصلی از تکرار تاریخ است

۴ جمله است. ای: حرف ندا / مردان نام آور، همیشه نامتان پیروز: منادا / بی‌گمان و امروز: قید / نهاد: فصلی / از: حرف اضافه / متمم:

تکرار تاریخ / است: فعل اسنادی / تکرار تاریخ: مسند

گر بماند دشمن، از هر سو

گر: قید شرط / نهاد: دشمن / از: حرف اضافه / هر سو: متمم

خانه هامان تنگ خواهد شد

نهاد: خانه هامان / تنگ: مسند / خواهد شد: فعل اسنادی

ناممان در دفتر تاریخ / کوچک و کم‌رنگ خواهد شد

نهاد: ناممان / در: حرف اضافه / دفتر تاریخ: متمم / مسند: کوچک و کم‌رنگ / خواهد شد: فعل اسنادی

خون میان سنگر آزادگان جوشید

نهاد: خون / میان: حرف اضافه / سنگر آزادگان: متمم / جوشید: فعل

مثل یک موج خروشان شد

نهاد: محذوف خون / مثل: حرف اضافه / یک موج: متمم / خروشان: مسند / شد: فعل اسنادی

کودکی از دامن این موج بیرون جست

نهاد: کودکی / از: حرف اضافه / دامن این موج: متمم / بیرون جست: گروه فعلی

از کمند آرزوها رست

نهاد: محذوف او / از حرف اضافه / کمند آرزو: متمم / رست: فعل

چشم او در چشم دشمن بود

نهاد: چشم او / در: حرف اضافه / چشم دشمن: متمم / بود: فعل غیر اسنادی

دست او در دست نارنجک

نهاد: دست او/ در: حرف اضافه/ دست نارنجک: مسند/ فعل محذوف: بود

کودک تنها، به روی خاکریز آمد

نهاد: کودک تنها/ به و روی: حرف اضافه/ خاکریز: متمم/ فعل: آمد

صد هزاران چشم، قاب عکس کودک شد

نهاد: صد هزاران چشم/ مسند: قاب عکس کودک/ شد: فعل اسنادی

خط دشمن، گیج و سرگردان

نهاد: خط دشمن/ گیج و سرگردان: مسند/ بود: فعل اسنادی محذوف

چشم‌ها از این و آن پرسیان

نهاد: چشم‌ها/ از: حرف اضافه/ متمم: این و آن/ پرسیان: مسند/ بود: فعل اسنادی بود

دشمنان کور دل، اما / در دلش خورشید ایمان را نمی‌دیدند

نهاد: دشمنان کور دل/ در: حرف اضافه/ متمم: دلش/ مفعول: خورشید ایمان/ را: نشانه ی مفعول/ فعل: نمی‌دیدند

تیغ آتش خیز «دستان» را نمی‌دیدند

نهاد: محذوف آنها/ مفعول: تیغ آتش خیز «دستان»/ نشانه ی مفعول: را/ فعل: نمی‌دیدند

در نگاهش خشم و آتش را نمی‌دیدند

نهاد: محذوف آنها/ در: حرف اضافه/ نگاهش: متمم/ مفعول: خشم و آتش/ نشانه ی مفعول: را/ فعل: نمی‌دیدند

بر کمانش تیر «آرش» را نمی‌دیدند

نهاد: محذوف آنها/ بر: حرف اضافه/ کمانش: متمم/ مفعول: تیر «آرش»/ نشانه ی مفعول: را/ فعل: نمی‌دیدند

در رگش، خون «سیاوش» را نمی‌دیدند.

نهاد: محذوف آنها/ در: حرف اضافه/ متمم: رگش/ مفعول: خون «سیاوش»/ نشانه ی مفعول: را/ فعل: نمی‌دیدند.

کودک ما بغض خود را خورد

نهاد: کودک ما/ مفعول: بغض خود/ را: نشانه ی مفعول/ فعل: خورد

چشم در چشمان دشمن کرد

نهاد: چشم/ در: حرف اضافه/ چشمان دشمن: متمم/ کرد: فعل اسنادی

با صدایی صاف و روشن گفت

نهاد: محذوف او/ با حرف اضافه/ صدایی صاف و روشن: متمم/ فعل: گفت

«آی، ای دشمن!

دو جمله (شبه جمله) ندا و منادا

من حسین کوچک ایران زمین هستم

نهاد: من/ مسند: حسین کوچک ایران زمین/ هستم: فعل اسنادی

یک تنه با تانک می جنگم

نهاد: من محذوف/ یک تنه: قید/ با: حرف اضافه/ تانک: متمم/ فعل: می جنگم

مثل کوهی آهنین هستم

نهاد: من محذوف/ مثل کوهی آهنین: مسند/ هستم: فعل اسنادی

من همین هستم

نهاد: من/ همین: مسند/ هستم: فعل اسنادی

ناگهان تکبیر، پر وا کرد

ناگهان: قید/نهاد: تکبیر/ پر: مفعول/ وا کرد: گروه فعلی

در میان آتش و باروت غوغا کرد

نهاد: محذوف تکبیر/ در: حرف اضافه/ میان: حرف اضافه/ آتش و باروت: متمم/ غوغا کرد: گروه فعلی

کودکی از جنس نارنجک / در دهان تانکها افتاد

کودکی: نهاد/ از : حرف اضافه/ جنس نارنجک: متمم/ در: حرف اضافه/ دهان تانکها: متمم/ افتاد: فعل

لحظه ای دیگر / از تمام تانکها، تنها / تلی از خاکستر خاموش / ماند روی دستهای دشت

لحظه ای دیگر: قید / از: حرف اضافه/ تمام تانکها: متمم/ تنها: قید/ تلی از خاکستر خاموش: نهاد/ روی: حرف اضافه/ دستهای

دشت: متمم/ ماند: فعل

آسمان از شوق، دف می زد

آسمان : نهاد/ از: حرف اضافه/ شوق: متمم/ دف می زد: گروه فعلی

شطّ خرّمشهر، کف می زد

شطّ خرّمشهر: نهاد/ کف می زد: گروه فعلی

شهر یکباره به خویش آمد

شهر: نهاد/ یکباره: قید/ به هوش آمد: گروه فعلی

چشم اشک آلوده را وا کرد

نهاد: محذوف شهر/ چشم اشک آلوده : مفعول/ را: نشانه ی مفعول/ وا کرد: گروه فعلی

بر فراز گنبدی زیبا / پرچم خود را تماشا کرد

نهاد: محذوف شهر/ بر: حرف اضافه/ فراز گنبدی زیبا : متمم/ پرچم خود: مفعول/ را : نشانه ی مفعول/ تماشا کرد: گروه فعلی